

Rereading the Manifestations of Civilizational Jurisprudence in the Opinions and Thoughts of Allamah Mohammad Taqi Jafari

Ali Mohammadian *

Received on: 09/03/2025

Mansourch Arjomandi Fard **

Accepted on: 10/11/2025

Abstract

Purpose: This paper aims to identify and extract the manifestations of civilizational jurisprudence in the works and opinions of Allama Professor Muhammad Taqi Jafari. He was a distinguished scholar and an exceptional figure who made remarkable contributions to Islamic knowledge and culture. Although he produced outstanding work and engaged in various branches of Islamic and human sciences, such as philosophy and mysticism, his jurisprudential persona and his exceptional mastery and insight into Islamic legal and jurisprudential issues have been relatively underexplored and insufficiently researched.

Methodology: Based on the majority of research conducted in the field of Islamic sciences, this study is descriptive-analytical in nature. It was developed through consultation of documents and library sources, as well as the opinions and works of Allameh Mohammad Taqi Jafari. Furthermore, since processing and analyzing collected information is considered one of the most important and fundamental aspects of Islamic and religious research, this study has endeavored to extract and accurately categorize the key points of the discussion. Each objective has been systematically and purposefully presented and thoroughly analyzed.

Findings: After the Islamic Revolution, Shia jurisprudence has been integrated into the legislative framework. Consequently, it must fully leverage its

* Associate Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran. (Corresponding Author).
mohammadian@buqaen.ac.ir

 0000-0001-8879-1879

** Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and the Principles of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.
arjomandifard@pnu.ac.ir

 0000-0002-4114-2553



capacities in this domain. Navigating this path correctly and strategically often cannot be achieved through individualistic or narrowly focused perspectives. In this context, effectively addressing contemporary demands and the dynamic needs of the present era requires a civilizational approach to jurisprudence. Therefore, jurisprudence should be examined from a civilizational and macro perspective to facilitate the realization and actualization of a progressive civilization that ensures the prosperity and advancement of the Islamic Ummah. Clearly, the initial step toward achieving this desirable state is to employ a sound and methodical *ijtihad* aligned with the civilizational outlook. Through its application, both the promotion of justice within society and the incorporation of efficiency and modernity can be ensured, enabling jurisprudence to resolve diverse societal issues and meet current needs.

Conclusion: In the present study, the identification and analysis of the manifestations of civilizational jurisprudence in the opinions of Allamah Ustad Mohammad Taqi Jafari, one of the prominent Muslim thinkers of the contemporary era, were undertaken. In response to this inquiry, five major themes were identified and presented as the study's findings: 1. Proposing new and emerging issues in light of current needs and requirements. An examination of his works reveals that Allamah Jafari is among the thinkers who recognize the necessity of providing new answers through precise scientific analyses. The practical manifestations of such a civilization-building perspectives, which combine religious teachings with dynamism, can be seen in his approach to issues such as the transfer of sperm from a deceased person. 2. Attention to the jurisprudence of art. Recognizing the great importance of art jurisprudence from a civilizational perspective, Allamah Jafari has extensively engaged with this subject. For example, he has conducted detailed discussions on music, adopting a unique approach that seeks to provide a comprehensive understanding of music, including philosophical and psychological perspectives. 3. Engagement with issues of international jurisprudence. Allamah Jafari incorporates these discussions, acknowledging that Islam, as a universal religion, calls for human development and communication across nations. 4. Focus on women's issues. Allamah Jafari asserts that, from a religious standpoint, there is equality in the human dignity and personality of men and women, emphasizing the importance of women's status within religious discourse. 5. Innovation in criminal jurisprudence. Given the special significance of criminal jurisprudence within Islamic law, Allamah Jafari has also contributed innovative perspectives in this field.

Keywords: Religious teachings, Imami jurisprudence, civilizational jurisprudence, Allamah Jafari

بازخوانی جلوه‌های فقاقت تمدنی در آرا و اندیشه‌های علامه محمدتقی جعفری

علی محمدیان *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

منصوره ارجمندی فرد **

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

چکیده

دانش فقه در عصر حاضر به موفق نبودن در عرضه نظام‌های نیاز جامعه بشری متهم شده است؛ لکن جستار حاضر با پذیرش ظرفیت چشمگیر اندیشگانی آموزه‌های شرعی و بالاخص فقه پویای امامیه و تأکید بر وجود ظرفیت تمدن‌سازی در تعالیم آن درصدد است از رهگذر تبیین مواضع و آرای علامه محمدتقی جعفری، ضمن پاسخ‌گویی به شبهه مزبور، به استخراج مصادیق و جلوه‌های فقه تمدنی از خلال آثار و مکتوبات ایشان، به مثابه الگویی ممتاز و راهبردی در این زمینه پردازد. برای نیل به رسالت مذکور، نوشتار حاضر در پژوهشی مسئله‌محور و با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی به استقصا در اندیشه‌های علامه جعفری پرداخته است و جلوه‌های فقه تمدنی را در پنج محور در آرای ایشان شناسایی و بازخوانی کرده است: ۱. پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید؛ ۲. اهتمام به فقه هنر؛ ۳. پرداختن به فقه روابط بین‌الملل؛ ۴. عطف توجه به مسائل زنان؛ ۵. رویکردهای نو و بدیع در فقه کیفری.

کلمات کلیدی: آموزه‌های دینی، فقه امامیه، فقه تمدنی، علامه جعفری

* دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قانئات، قائن، ایران. (نویسنده مسئول).

ID 0000-0001-8879-1879

mohammadian@buqaen.ac.ir

** استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

ID 0000-0002-4114-2553

arjomandifard@pnu.ac.ir



بیان مسئله

بی‌تردید آموزه‌های مکتب مرقی اسلام از شمول و جامعیت برخوردارند و قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای گوناگون بشری‌اند. مقصود از جامعیت اسلام این است که معارف موجود در قرآن و سنت مشتمل بر قوانین و توصیه‌هایی است که در راستای تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان تنظیم شده است و این آموزه‌ها ناظر به همه شئون و احتیاجات بشری‌اند. در این میان فقه شیعی با تکیه بر منابع غنی خود، مدیریت و پاسخ‌گویی به زیست عملی مکلفان را بر عهده دارد؛ البته پرسش‌ها و مسائلی که فراروی فقه قرار دارد گاه ناظر به زندگی فردی آدمیان بوده است و گاه نیز در سطحی وسیع‌تر ساحت اجتماع را در بر می‌گیرد. چیزی که روشن است حضور فقه در عرصه اجتماع با حساسیت‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود مواجه است و لذا هرگونه مواجهه غیرمدرانه با مسائل فراروی فقه، ممکن است به پای مکتب نوشته و لحاظ شود. نکته دیگر آنکه امروزه مسائل مستحدثه با توجه به تحولات عظیم کنونی در زندگی بشر، برخلاف گذشته بسیار گسترش یافته است؛ لذا ضرورت دارد در این برهه حساس با توان و ظرفیت بیشتری در پی پاسخ‌گویی به این حجم عظیم نیازها و پرسش‌ها بود. آنچه بر اهمیت مسئله می‌افزاید این است که فقه شیعه پس از قرن‌ها و با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بستر اعمال قدرت و حاکمیت قرار گرفته است. این امر اگرچه در جای خود پدیده مبارکی به شمار می‌رود؛ اما درعین حال نباید از حساسیت‌ها و چالش‌های پیش روی نیز غافل شد. آنچه مسلم است فقه شیعه پس از انقلاب اسلامی در بستر قانون‌گذاری قرار گرفته است و ازاین‌حیث طبعاً باید همه ظرفیت‌های خود را به میدان بیاورد و جز با پیمایش صحیح و راهبردی این مسیر، در بسیاری از موارد، دیگر نمی‌توان با نگاه‌های فردی و جزئی‌نگر پاسخ داد. ازاین‌حیث به‌نظر می‌رسد پاسخ‌گویی صحیح به اقتضائات زمان و نیازهای روز و نیز پویایی و چالاکی فقه در عصر حاضر، جز از طریق نگاه تمدنی به فقه امکان‌پذیر نخواهد بود؛ لذا باید تلاش کرد با رویکرد تمدنی و نگاه کلان به فقه نگرسته شود تا از این رهگذر تحقق و عینیت بخشیدن به تمدن مرقی که متضمن سعادت و پیشرفت امت اسلامی است حاصل شود. پرواضح است که اولین مرحله برای رسیدن به چنین وضعیتی مطلوبی بهره‌مندی از اجتهاد صحیح و روش‌مند متناسب با نگاه تمدنی است تا از طریق عملی کردن آن هم به بسط عدالت در جامعه کمک شایانی گردد و هم عنصر کارآمدی و روزآمدی در آن لحاظ شود تا فقه بتواند مشکلات گوناگون جامعه را حل کند و پاسخ‌گوی نیازهای موجود باشد.

با عنایت به اهمیت بحث، نوشتار حاضر در پی شناسایی و استخراج جلوه‌های فقه تمدنی در خلال آثار و آرای علامه استاد محمدتقی جعفری است. اندیشمندی وارسته و شخصیتی کم‌نظیر که در عرصه علم و فرهنگ اسلامی آثار ممتاز و درخشانی دارد و به‌دلیل فعالیت‌های ایشان در عرصه سایر علوم اسلامی و انسانی از قبیل فلسفه و عرفان، به شخصیت فقهی معظم‌له و احاطه و اشراف مثال‌زدنی ایشان بر مسائل

فقهی و حقوقی اسلام، کمتر توجه شده است. پرواضح است که به‌علت اشراف ایشان بر منابع و متون اسلامی و نیز آشنایی معظم‌له با اندیشوران و اندیشه‌های مطرح در مکاتب غربی و دیگر فرهنگ‌ها، اندیشوران جامعه به شناسایی، استخراج و تحلیل مواضع و آرای ایشان در موضع بحث به‌مثابه الگویی ممتاز برای نیل به فقه تمدنی عنایت و توجه کنند.

ذکر این نکته ضروری است که پژوهش حاضر مانند اغلب تحقیقات انجام‌شده در زمینه علوم اسلامی از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با رجوع به مستندات و منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به آرا و آثار علامه محمدتقی جعفری نگاشته شده است.

۱. چارچوب مفهومی پژوهش

قبل از ورود به بحث شایسته است برخی از مفاهیم بنیادین پژوهش که در فهم مسئله مدخلیتی تام دارند تبیین شوند تا از این رهگذر شناخت جامع‌تری از موضوع جستار حاصل شود.

۱-۱. دانش فقه و گستره آن

اهل لغت در تعریف فقه آن را به درک عمیق و فهم ژرف معنا کرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۵۲۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۳۵۵). فقیهان امامی نیز همسو با معنای لغوی، فقه را دانشی قلمداد کرده‌اند که در آن فقیه می‌کوشد به فهم عمیق و دقیق احکام شرعی براساس ادله فقهی نائل شود (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰). مسئله دیگر بحث از قلمرو دین است که بسیاری از اندیشوران برجسته اسلامی معتقدند آموزه‌های دینی به تمامی ابعاد زندگی بشری توجه کرده است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۳). علامه جعفری معتقد است: «از صدر اسلام تاکنون هیچ موضوعی درباره مسائل مادی و معنوی بشری مطرح نشده، مگر اینکه فقه شیعه قدرت پاسخ‌گویی آن را داشته است» (جعفری، ۱۴۱۷، ص ۱).

۱-۲. فقه تمدنی

لفظ تمدن، اصلی عربی «مقتبس از مدینه» دارد و به معنای سکونت در شهر و خوگرفتن به اخلاق و آداب مردم شهر است (مصطفوی، ۱۳۸۵ ش، ج ۱۱، ص ۵۵). درباره معنای اصلاحی تمدن نیز باید گفت اگرچه این اصطلاح از دیرباز با عناوینی از قبیل «الحضارة» در آثار اندیشمندان مسلمان وجود داشته است (ابن‌خلدون، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۲)؛ لکن تمدن در معنای امروزی «وجود سازمان و تشکیلات و نظم اجتماعی و پیشرفت و توسعه انسان» (آشوری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸)، مفهومی است که به مرور و از قرن

هجدهم میلادی شکل گرفته است (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۵).

با این تعریف از تمدن معنای فقه تمدنی نیز تاحدودی آشکار می‌شود؛ لذا می‌توان چنین اظهار داشت که فقه تمدنی رویکردی جامع‌نگر و مناسب با اقتضائات زندگی مدرن و تحولات زندگی بشری به فقه و شریعت است. به عبارتی فقه تمدنی بسترهای لازم تحقق نظام اجتماعی در طراز جامعه اسلامی برای شکل‌گیری تمدن مطلوب فراهم می‌کند (واسطی، ۱۳۹۹، ص ۱۰)؛ بنابراین می‌توان گفت رسالت فقه تمدنی امتداد احکام اجتماعی اسلام با هدف بسترسازی برای تمدن اسلامی است و برای نیل به این هدف از مقاصد و اهداف و اغراض شریعت برای تأمین مصالح اجتماعی و تمدنی استفاده می‌کند.

۳-۱. علامه جعفری

محمدتقی جعفری مشهور به علامه جعفری (۱۳۰۲-۱۳۷۷ش) از علمای نامدار شیعه در قرن پانزده هجری، حکیم، فیلسوف، متکلم، فقیه و اصولی برجسته معاصر است. وی بیش از هشتاد جلد کتاب تألیف کرده است. جبر و اختیار، شرح نهج‌البلاغه، شرح مثنوی و رسائل فقهی از معروف‌ترین آثار ایشان است. ذکر تفصیلی جایگاه علمی ایشان از رسالت و مجال این پژوهش خارج است؛ لکن در عظمت شخصیت وی همین بس که امام خمینی (ره) ایشان را با لقب «ابن‌سینای زمان» توصیف کرده‌اند (قاسملو، ۱۳۷۹، ص ۱۸). مقام معظم رهبری نیز از ایشان با عنوان «علامه فرزانه و متفکر» یاد می‌کند که پس از پیروزی انقلاب همواره افکار سازنده ایشان در زمینه معارف دینی با استقبال فرزندان و تشنگان علم و معرفت روبه‌رو می‌شد (پیام رهبری در پی درگذشت علامه جعفری، در تاریخ ۱۳۷۷/۰۸/۲۵).

۲. پیشینه پژوهش

۱. کارشناس و همکاران در مقاله «نقد انگاره اسلام رحمانی به‌مثابه چالش فقه تمدنی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری» (کارشناس و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۶۵-۹۴)، در پی اثبات این مدعا برآمده‌اند که ادعای اسلام رحمانی، نگاهی گزینشی و ذوقی از اسلام ارائه می‌کند که منجر به تهی شدن اسلام از آموزه‌های اصیل آن از قبیل جهاد، امر به معروف و ... می‌شود.

۲. فلاح تفتی در مقاله «مبانی و قواعد فقهی حاکم بر عقلانیت و هم‌گرایی مسلمانان در تمدن نوین اسلامی» (فلاح تفتی، ۱۴۰۱، صص ۱۵۵-۱۹۴)، درصدد تبیین مبانی فقهی خردگرایی و هم‌گرایی مسلمانان در تکوین تمدن نوین اسلامی برآمده است.

۳. واسطی در پژوهشی با عنوان «اجتهاد تمدنی؛ منطق فهم دین در مقیاس تمدن‌سازانه» (واسطی،

۱۳۹۹، صص ۷-۳۲)، درصدد دستیابی به روشی مبتنی بر فقه جواهری برای کشف نظر شریعت درباره فرایندهای لازم در تشکیل یک تمدن است.

۴. «نقش مبانی فقه تمدن‌ساز در ایجاد وحدت امت براساس منظومه فکری مقام معظم رهبری» (کارشناس، ۱۳۹۹، صص ۱۱۲-۱۲۸) دیگر مقاله‌ای است که در راستای بحث حاضر، به تبیین مبانی فقه تمدن‌ساز پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که فقه تمدنی، مبتنی بر تعدادی مبانی سامان یافته است که ازجمله می‌توان به فطرت توحیدی، عقلانیت، جامعیت دین، نظام ولایی و... اشاره کرد. وجهه همت نویسنده عمدتاً تلاش برای اثبات رابطه میان مبانی فقه تمدن‌ساز اسلامی و ایجاد وحدت امت اسلامی است.

همان‌گونه که مشخص است نوآوری و وجه افتراق مقاله حاضر اهتمام به شناسایی، استخراج، ایضاح و تحلیل آرای علامه جعفری درباره جلوه‌های فقه‌ت تمدنی است؛ امری که تاکنون موضوع پژوهش مستقلی قرار نگرفته است.

۳. جلوه‌ها و مواضع فقه تمدنی در آرای علامه جعفری

در این بخش با مراجعه به آثار و آرای علامه جعفری کوشش خواهد شد مواضع ناظر به فقه تمدنی از خلال اندیشه‌های ایشان استخراج و تبیین شود.

۳-۱. پاسخ به چالش‌های مستحدثه و نوپدید

باید اذعان داشت اگرچه فقه امامیه از دیرباز به مسائل مستحدثه در ادوار مختلف عطف توجه نشان داده است، پس از مدرنیته و با توسعه علوم و فناوری، تحولات فرهنگی و اقتصادی و تغییر در نگرش انسان به دنیا حجم توجه به مسائل مستحدثه گسترش بسیار یافته است. در این میان عالمان باصبیرت و اندیشوران طراز اول امامیه همواره کوشیده‌اند موضع مکتب را در برابر این سؤالات تبیین کرده و پاسخ‌هایی متناسب با عقلانیت جدید به این پرسش‌ها ارائه کنند. در این بین انقلاب شکوهمند اسلامی نیز که دستگاه فقه را با حکومت پیوند داده و زمینه‌ساز ورود احکام شریعت را در صحنه اجتماع عملی ساخته است ضرورت این کنش را به‌صورت مضاعف نمایان کرده است.

علامه جعفری در زمره اندیشورانی هستند که از همان ابتدای فعالیت علمی خویش، به‌ضرورت ارائه پاسخ‌های نو در قالب تحلیل‌های دقیق عقلی و علمی امعان‌نظر داشته‌اند. ایشان ضمن پاسخ دادن به شبهات سکولاریسم مبنی بر نداشتن امکان پاسخ‌گویی فقه به نیازهای بشری، احکام فقهی را به احکام

اولیه مربوط به نیازهای ثابت و احکام ثانویه ناشی از مصالح و مفسد عارض بر زندگی بشری تقسیم می‌کنند که فقه در بستر دوم می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از مسائل بشری باشد (جعفری، ۱۳۷۵، ص ۶۶). از منظر ایشان فقه امامیه به دلیل ظرفیت‌هایی که در درون خود دارد، از پتانسیل چشمگیری برای پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید برخوردار است و علت ورود نکردن فقه به پاره‌ای از مسائل این بوده است که در بینش اسلامی اساساً برخی از امور به علت پذیرش نشدن از سوی شرع، محل بحث و استدلال قرار نگرفته‌اند؛ برای نمونه ایشان درباره مسئله ربا چنین توضیح می‌دهند: «فرض کنید ما الان درباره چگونگی دریافت ربا، صدها هزار قانون نداریم؛ چون اصلش را قبول نداریم. این معنایش این نیست که فقه ما جوابگو نیست؛ (بلکه بدین جهت است که) موضوع برای ما قابل قبول نیست. اگر موضوع برای ما قابل قبول بود، هزاران فرع و اصل تنظیم می‌کردیم» (جعفری، ۱۳۷۵، ص ۲۱). در اندیشه علامه جعفری فقه‌ای که با فهم دقیق شرایط موجود صورت گیرد، مستلزم اجتهاد و تیزهوشی خاصی است و این جایگاه جز برای اندکی از فقیهان حاصل نمی‌شود؛ چراکه این سنخ از فقیهان افزون‌بر تسلط به منابع فقه، از استشمام فقه‌ای بالایی نیز برخوردارند که از این رهگذر می‌توانند به درک عمیق موضوعات و اتخاذ بهترین رویکرد نائل شوند (جعفری، ۱۳۷۱، ص ۷۷).

شایان توجه است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برجسته شدن نقش فقه در مدیریت و اداره جامعه و ایجاد ضرورت‌های جدید برای نگاه تمدنی و اجتماعی به فقه عنوانی ایجاد شد از قبیل احکام ثانویه، احکام حکومتی و ولایی و مصلحت و مفسده به صورت گسترده در راستای اینکه فقه باید اجرایش و پاسخ‌گوی مشکلات جامعه باشد (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۸۱؛ مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳۰). مطابق با همین نگاه علامه جعفری با عنایت به این نکته که احکام شرعی بدون ضابطه نبوده‌اند و بلکه بر پایه مصالح و مفسد واقعی تشریع شده‌اند، بر این نکته انگشت تأکید می‌نهند که تمامی احکام تابع مصالح و مفسد واقعی بوده و در این زمینه به روایت محمدبن سنان از امام رضا (ع) استناد می‌کنند که راوی به امام (ع) می‌فرماید: «گروهی از اهل قبله بر این باور هستند که پروردگار حکیم هیچ چیزی را از روی حکمت، حلال یا حرام نساخته است؛ بلکه تمامی احکام به جهت سنجش تعبد بندگان جعل شده‌اند. حضرت (ع) در پاسخ می‌فرماید: بدان هرکس بدین امر باور داشته باشد در ضلالت آشکار بوده و سخت در زیان است؛ زیرا در صورت پذیرش این امر، برای خداوند روا بود که با نقیض این امر نیز تعبد بندگان را بیازماید و حلال‌ها را حرام و حرام‌ها را حلال قرار دهد؛ برای مثال عبادت را در این امر قرار می‌داد که انسان‌ها نماز را ترک کنند و روزه نگیرند و به کارهای نیک پایبند نباشند و به انکار خدا و رسول و کتاب‌های آسمانی بپردازند... (حال آنکه بطلان این امور واضح است)» (جعفری، ۱۴۱۹، ص ۷۸؛ ر.ک: صدوق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۹۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۹۳).

می‌توان در آرای از علامه جعفری نمودهای عملی چنین نگاه تمدن‌ساز، فراگیر، اجتماعی و جامع به فقه که آموزه‌های شرعی را با پویایی، چالاکی و گره‌گشایی همراه می‌کند مشاهده کرد که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود. برای نمونه ایشان در پاسخ به پرسشی درباره انتقال نطفه فرد متوفی به همسر وی یا زن اجنبی (با توجه به اینکه از نظر علمی اگر مردی فوت کند تا مدت کوتاهی امکان انتقال نطفه وی وجود دارد)، چنین اظهار می‌دارند که انتقال نطفه زوج متوفی در طول عده وفات به همسر وی جایز است (جعفری، ۱۴۱۹، ص ۳۰۷)؛ اما پاسخی که ایشان به امکان انتقال نطفه به رحم زن اجنبی (زنی غیر از زوجه فرد متوفی) می‌دهند به روشنی نشانگر نگاه جامعی است که با توجه به آگاهی ایشان به ذائقه شریعت و با نگاهی کلان و استوار به آموزه‌های شرعی صادر شده است. علامه جعفری چنین نگاهی را برتابیده‌اند و جواز این امر را موجب تزلزل کیان خانواده و نیز قبح و استهجان‌بازی با ارحام (اولین منزلگه ورود انسان به این دنیا) می‌دانند. همچنین ایشان معتقدند که ممکن است چنین امری بر انسانی که از چنین نطفه‌ای متولد می‌شود تأثیر منفی شدیدی بر جای گذارد؛ چراکه احساس حقارتی که ممکن است در چنین فردی ایجاد شود، چه بسا تا پایان عمر گریبان‌گیر فرد شود (جعفری، ۱۴۱۹، ص ۳۰۸).

پرواضح است که چنین نگاهی به مسئله حکایت از تحلیل عمیق ایشان و ژرف موضوع دارد و چه بسا اگر ایشان با جمود بر روی برخی از منابع درصدد صدور فتوا بودند، ممکن بود نتایج متفاوتی حاصل شود؛ زیرا اولاً در تحلیل ایشان به تزلزل نهاد خانواده اشاره شده است و در وهله اول منع چنین عملی به این امر مستند شده است که چنین بینشی بیانگر نگاه کلان ایشان به مسئله است؛ در ثانی علامه برخی از آموزه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی را نیز به بحث وارد کرده و شم فقهات خود را با آموزه‌های علوم مدرن آمیخته‌اند (تأثیر این امر بر کودک متولدشده از این فرایند و امکان ایجاد احساس حقارت در وی) و از این رهگذر است که چنین فتوای درخشانی از ایشان صادر شده است که در نتیجه هم به آموزه‌های شرعی وفادار مانده است و هم دانش‌های جدید را به استخدام در آورده است؛ لذا چنین نگاهی به فقه می‌تواند شاخصی برای فقه تمدنی و اجتماعی محسوب شود. درواقع باید گفت علامه با طرح چنین مسئله‌ای باب گفت‌وگو بین روان‌شناسی و فقه را به‌نوعی گشوده‌اند.

نمونه دیگری که علامه جعفری از داده‌های علم روز در مستندسازی نظر خویش بهره جسته‌اند، به مقوله سقط جنین مربوط می‌شود. ایشان در تأیید مدعای خویش مبنی بر حرمت سقط جنین چنین اظهار می‌دارند: «این قضیه از نظر روان‌پزشکان هم می‌تواند مورد تأیید باشد که زن از نظر روانی-طبیعی، نه روانی تصنعی و تحمیلی، نطفه وارده در رحم را تا وضع حمل مانند جزئی از شخصیت خود می‌داند. به همین جهت است که می‌گویند: زن در دوران حاملگی با دو شخصیت که یکی تحت تأثیر دیگری است (شخصیت جنین تحت تأثیر شخصیت مادر)، زندگی می‌کند» (جعفری، ۱۴۱۹، ص ۲۵۳).

۳-۲. اهتمام به فقه هنر

تمایل و علاقه به زیبایی و اجتناب از زشتی در زمره امور فطری هستند که خداوند متعال در وجود آدمیان به ودیعه نهاده است. هر انسانی به طبع نخستین خویش نغمه خوش، آهنگ دلنشین، منظره چشم نواز و... را دوست دارد. این حس زیبایی‌خواهی، آنگاه که با کمال‌جویی انسان در می‌آمیزد او را به آنچه از پدیده‌های طبیعی می‌بیند قانع نمی‌کند؛ از این‌رو پدیده‌های زیبای جهان را برمی‌گزیند، بازآفرینی می‌کند و احساس خود را از پدیده‌های هستی به گونه‌ای دل‌نواز به نمایش می‌گذارد. چنین کوششی که به آفرینش اثری زیبا منجر می‌شود، هنر نام دارد (نجفی، ۱۳۷۴، ص ۳).

با سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی شرایطی به وجود آمد که بسیاری از هنرمندان آثار بدیعی با موضوع انقلاب اسلامی به وجود آورند. در چنین شرایطی هنرمندان براساس فضای معنوی همسو با فرهنگ اسلامی، کیان هنر انقلاب اسلامی را پی نهادند؛ درحقیقت باید هنر انقلاب را یکی از دوره‌های درخشان فرهنگ و هنر در تاریخ ایران به شمار آورد.

از آنجاکه زبان هنر زبان بین‌المللی است و می‌تواند فارغ از مرزهای جغرافیایی با ملت‌ها و قوم‌های گوناگون ارتباط برقرار کند و به‌عنوان یک عنصر توانمند برای ارتباط فردی و اجتماعی در سطح بین‌المللی ایفای نقش کند، اهتمام به هنر و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن می‌تواند از مؤثرترین و بهترین ابزارها برای ارائه حقایق و معارف دین به شمار رود. در اینجا است که پرداختن به فقه هنر در نگاه تمدنی اهمیتی تام می‌یابد و به تعبیر رهبری انقلاب از این حیث «تحقیق، عمق‌یابی و تبیین فقه هنر برای جامعه» امری ضروری قلمداد می‌شود (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران همایش «فقه هنر»، در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۱).

علامه جعفری درباره شناخت و درک اهمیت موضوع در مسئله هنر نیز ورود ژرف و گسترده‌ای داشته‌اند و در این زمینه بسیار سخن گفته‌اند. ایشان در خلال آثار خود ضمن طرح تعاریف و آرای گوناگون درباره ماهیت زیبایی و هنر (ر.ک: جعفری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۸) و نیز تشریح مبانی و مستندات قرآنی زیبایی‌شناسی (ر.ک: جعفری، ۱۳۶۲، ص ۲۰) معتقدند که در هنر می‌توان از چهار منظر مذاقه و تأمل کرد (نگرش علمی، نگرش نظری، نگرش فلسفی، نگرش دینی). ایشان با نقد دیدگاه‌های موجود، نظریه خود یعنی هنر در راستای خدمت به انسان، جهت زندگی معقول را برگزیده‌اند و هنری را واجد ارزش قلمداد می‌نمایند که صرفاً هدف از آن ایجاد شگفتی و برانگیختن هیجانات و احساسات افراد نباشد؛ بلکه مقصود از آن ایجاد زندگی سودمند برای زیست آدمیان باشد (جعفری، ۱۳۶۳، ص ۲۱).

مطابق همین دیدگاه ایشان با طرح نظریه «هنر پیشرو» ویژگی برجسته هنری را در این امر

می‌دانند که نوابغ هنری با مغز و روان و روح پاک، نبوغ خود را در بهره‌برداری از اصول عالی انسانی فعال ساخته و بدون توجه به تمایلات بی‌اساس، آنان را به کشف زندگی سالم و روبه‌کمال سوق دهد (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

براساس این تحلیل، می‌توان هنر ممدوح و مشروع را در دستگاه فکری ایشان هنری دانست که به دور از عوام‌گرایی و افتادن در ورطهٔ ابتذال، در نگاهی تمدنی و متعالی، هدف خود را تعالی و ترقی افراد و آحاد جامعه بداند و رسالتی جز این برای خود قائل نباشد. مطابق با همین مبنا، ایشان بحث عمیق و مبسوطی نیز دربارهٔ یکی از اشکال مهم هنر یعنی موسیقی داشته‌اند و در این زمینه به‌صورت مستوفی سخن گفته‌اند. ایشان برخلاف سنت رایج فقهی که صرفاً به بیان حکم فقهی موسیقی و به عبارتی فنی‌تر «غناء» پرداخته می‌شود (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۰، ص ۳۶۵؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۲۲) و اصولاً تأکید بر حرمت آن می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۳۳۴؛ تهرانی، ۱۴۱۸، ص ۲۴) با اتخاذ رویکردی متفاوت و متناسب با اقتضائات دنیای جدید می‌کوشند نگاهی همه‌جانبه به مقولهٔ موسیقی داشته باشند و حتی از حیث فلسفی و روانی نیز به تبیین آن همت گمارند. ایشان در این زمینه چنین می‌نگارند: «مباحث این کتاب را می‌توان به عنوان مقدمه‌ای برای بررسی‌ها و تحقیقات کامل‌تر در نظر گرفت، به‌خصوص از دیدگاه علم‌النفس به معنای آن که از جهتی عمیق‌تر و گسترده‌تر از اکثر روان‌شناسی‌های معاصر به مسائل روانی می‌نگرد؛ زیرا بیشتر روان‌شناسی‌های دوران معاصر عمدتاً روش تجزیه‌ای و تحلیلی (آنالیتیک) را پیش می‌گیرند و روش ترکیبی و کل‌نگری (سنتتیک) را مورد اهمیت قرار نمی‌دهند، در صورتی که علم‌النفس در شناخت مسائل روانی هم از روش تجزیه‌ای و تحلیلی و هم از روش ترکیبی استفاده می‌کند» (جعفری، ۱۳۸۲، ص ۱۱). در دیگر قسمت‌های این پژوهش، ایشان حتی به معرفی اجمالی انواع و اشکال موسیقی و اصطلاحات موجود در آن از قبیل مقام، دستگاه، گوشه و... پرداخته‌اند. در بخشی دیگر نیز به مقایسهٔ میان موسیقی با شعر، نقاشی و خوشنویسی می‌پردازند تا از این رهگذر شناخت جامع‌تری نسبت به ماهیت موسیقی ایجاد شود (جعفری، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

۳-۳. فقه روابط بین‌الملل

یکی از مسائلی که در دوران جدید اهمیت شایانی یافته است، برخورد و تعامل با غیرمسلمانان است که در ادبیات فقه شیعه بخش عمده‌ای از ایشان به اهل کتاب شناخته می‌شوند. بر کسی پوشیده نیست که نگاه تمدنی و جامع به مسئلهٔ شهروندان غیرمسلمان می‌تواند در تألیف قلوب ایشان بسیار اثرگذار باشد. باید پذیرفت که در اعصار گذشته فقیهان عمدتاً دل‌مشغول مباحث فردی فقه بوده‌اند؛ لکن این مسئله به این معنا نیست که اگر بخواهیم وارد عرصهٔ فقه تمدنی بشویم با مشکل مواجه خواهیم شد؛ چراکه می‌توان

آموزه‌های گوناگونی را از این حیث استخراج کرد. ممکن است در یک سطح احکام شرعی به عنوان قواعد اولیه در میراث فقهی بررسی شده باشد؛ اما هنگامی که بحث مصالح و اقتضائات ثانوی و بین‌المللی مطرح می‌شود می‌توان و می‌بایست در آن سطح با نگاه جدیدی در مسئله ورود کرد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که در مباحث جزئی و شخصی فتوایی لحاظ شود؛ اما اگر در پرتو فقه تمدنی، بحث پیگیری شود می‌توان به نتایج دیگری دست یافت. به نظر می‌رسد اگر گفته شود امروزه روابط دولت‌ها با یکدیگر مانند روابط بین افراد یک کشور شده است و هرچه پیش می‌رود این ارتباط و وابستگی بیشتر می‌شود، سخنی به گزافه گفته نشده است. امام خمینی در زمره فقیهان آگاه به زمان هستند و با درک عمیق این مسئله معتقدند: «امروز شما گمان نکنید که اگر در یک گوشه عالم یک قضیه واقع بشود، سایر ممالک مطلع نمی‌شوند. امروز دنیا یک عائله شده است که همه عالم از هم مطلع می‌شوند. می‌بینید که مطلبی که در یک گوشه عالم واقع می‌شود در همه جا منتشر می‌شود...» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۱۳۲).

بررسی منابع شرعی (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۲۳۳؛ طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۹، ص ۴۰۸) نیز حکایت از آن دارد که اسلام در جایگاه دینی جهان‌شمول خواستار شکل‌گیری و ارتباطات انسانی است و این ارتباطات بدون پی‌ریزی شرایط و زمینه‌های تعاملات و همکاری‌های مسالمت‌آمیز میسر نخواهد شد. به‌ویژه که بخش عمده‌ای از جمعیت جهان را غیرمسلمانان تشکیل داده‌اند و اقتضای عقلی نیز حکم به برقراری ارتباط با آنان در راستای تحقق اهداف متعالی اسلام برای همه انسان‌ها می‌کند.

علامه جعفری همسو با این دیدگاه و با اتخاذ نگاه تمدنی در مسئله وارد شده است. یکی از مواضع مطرح‌شده درباره اهل کتاب در کتب فقهی طهارت و نجاست آنان است. در این زمینه شمار بسیاری از فقیهان امامیه بر نجاست آنان تأکید دارند و در این زمینه مستمسک خود را آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» (توبه/ ۲۸) قرار داده‌اند (ر.ک: بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۶۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۴). در مقابل، گروهی دیگر از فقها با اشکال در دلالت آیه به طهارت اهل کتاب فتوا داده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۰۱).

علامه جعفری نیز نظر به اهمیت مسئله به صورت تفصیلی آن را بررسی کرده‌اند. ایشان پس از فحص از ادله قائلان به نجاست در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که تنها آیه‌ای که می‌تواند دستاویز قائلان به نجاست باشد، آیه ۲۸ سوره توبه است؛ لکن باید توجه داشت که واژه نجس در عصر نزول آیه در معنای اصطلاحی فقهی که بعدها ایجاد شده است نبوده و این واژه مانند کلمه «رجس» در معنای قمار و بی‌ایمانی و بیماری قلبی و عذاب به کار می‌رفته است. نتیجه آنکه نه تنها اهل کتاب از نظر قرآن نجس نیستند، بلکه دلیل صریحی بر نجاست مشرکان نیز در قرآن وجود ندارد (جعفری، ۱۴۱۹، ص ۱۷).

موضع دیگری که ایشان ضرورت ورود به آن را احساس کرده است، مقوله ذبیحه اهل کتاب است. ذبیحه به حیوانی گفته می‌شود که اهل کتاب ذبح کرده باشند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۷۰۱). تعداد بسیاری از فقیهان امامی، تناول ذبیحه‌ای را که پیروان سایر ادیان ذبح کرده باشند حرام می‌دانند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۷۹؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۰۳؛ بهایی عاملی، ۱۴۱۰، ص ۶۰). در این میان علامه جعفری، با بررسی مستندات وارد در مسئله، به نتیجه متفاوتی رسیده‌اند. ایشان در نقد قول مشهور معتقدند که در مسئله اجماع معتبری وجود ندارد؛ چراکه بسیاری از متقدمان با حرمت مطلق ذبیحه اهل کتاب مخالف‌اند. در ادامه استاد جعفری با تحلیل روایات موجود در مسئله به نحو تفصیلی در خاتمه جمع‌بندی خود را چنین بیان می‌کند: «با نظر به مجموع روایات آشکار می‌شود که بحث در این مسئله مانند بحث در مسئله طهارت اهل کتاب است و بعید نیست که در صورت نام بردن خدا در موقع ذبح گوشت حلال بوده باشد» (جعفری، ۱۴۱۷، ص ۱۵۸).

آنچه در تحلیل فتوای علامه جعفری می‌توان گفت این است که ایشان با آگاهی به عنصر زمان و اهمیت مسئله، در حیطه موضوعات و مسائلی ورود می‌کردند که احساس می‌شد خلأ جدی در آن وجود داشته است و احکام شرعی محتاج بازخوانی و نگاه نو بودند؛ چراکه واضح است گستره پژوهش‌های ایشان صرفاً محدود به موضوعات فقهی نمی‌شود و چنین نیست که استاد جعفری در مباحث فقهی بسیاری دارای مکتوبات و تألیفات باشند؛ بلکه ایشان در اغلب موارد به‌صورت گزینشی در حیطه مسائل خاص وارد شده و عمده آثار ایشان در زمینه‌های دیگر علوم اسلامی (از قبیل عرفان، فلسفه و...) است.

۳-۴. پرداختن به مقوله حقوق زنان

بی‌تردید در دوران معاصر مسئله زنان و تفاوت‌های مرد و زن به‌عنوان یکی از موضوعات مهم، اهمیت بسیاری یافته و ذهن متفکران اسلامی به‌ویژه مصلحان آن‌ها را به خود مشغول داشته است. علت برجسته شدن این امر، چالش‌ها و ناسازگاری‌هایی است که ممکن است میان احکام موجود و واقعیات روز ایجاد شده باشد؛ البته این امر بدیهی است که هر دانشی در بستر زمان و در گذاری که به واسطه موضوعات جدید و مسائل مستحدثت پیدا می‌کند نیاز به تجدیدنظر دارد. تئوری تأثیر زمان و مکان در اجتهاد امام خمینی (ره) هم تلاشی در همین راستا تلقی می‌شود (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۹۳؛ اعرافی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۰)؛ اما درعین حال باید توجه داشت که در حوزه زنان شاید علت ناسازگاری‌های موجود عمدتاً به دلیل ورود اسرائیلیات در برخی از متون روایی، تحمیل عرف جوامع بر منابع دینی و تفسیرهای غلط، حضور کم‌رنگ زنان در عرصه‌های فقهی و اموری از این دست ایجاد شده باشد. درحال این امر موجب شده است برای پاره‌ای از بانوان این شبهه ایجاد شده باشد که در مبانی اسلامی در حق زنان تبعیض وجود

دارد یا اینکه وجود برخی از آرا و دیدگاه‌ها، ایشان را به دانش فقه و اندیشه فقیهان بدبین کرده باشد تا جایی که این اعتقاد ایجاد شده باشد که فقه کارآمدی لازم را برای حل مشکلات و مسائل روز ندارد؛ اما به نظر بسیاری از اندیشمندان از جمله علامه جعفری با بازخوانی مجدد و اصولی منابع دینی می‌توان برای مشکلات زنان از چشم‌انداز دینی چاره‌اندیشی کرد و مسیری که به‌ویژه فقه پویای شیعی در این راه طی کرده روند پویایی و تحول است.^۱

علامه جعفری در زمینه نگاه دین به مسئله زنان و جایگاه این قشر در منظومه معارف دینی اظهار می‌کند که در نگاه دینی شخصیت انسانی زن و مرد مساوی است. از نظر ایشان قرآن مجید در ارزیابی انسان، از هر صنف که باشد، به همین اصل تکیه کرده است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). ای مردمان! ما شما را از یک مرد و زن آفریده و شما را شعوب و قبایل مختلف قرار دادیم و به تحقیق گرامی‌ترین شما در نزد خداوند باتقواترین شماست. همچنین آیات فراوانی وجود دارند که وقتی می‌خواهند اوصاف عالی انسانی را گوشزد کنند صراحتاً الفاظ مذکر و مؤنث را با هم به کار می‌برند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ» (احزاب/۳۵)؛ بنابراین در اندیشه استاد جعفری اختلافات طبیعی و فیزیولوژیکی دلیل ترجیح مرد بر زن از نظر ملاکات ارزشی نخواهد بود. ایشان تأکید دارند که اختلاف حقوقی زن و مرد در فقه اسلامی، نمی‌تواند تعیین‌کننده ارزش برای هیچ‌یک از طرفین بوده باشد و این اختلافات مقداری مربوط به اختلاف طبیعی دو صنف و مقدار دیگر مربوط به موضوع تشکیل سیستم خانوادگی است که بدون آن بشر از خود و دیگران بیگانه بار می‌آید؛ چنان‌که در بعضی از کشورهای غربی مشاهده می‌شود (جعفری، ۱۳۸۴، ص ۳۹).

ایشان همچنین در شرحی که بر نهج البلاغه نگاشته‌اند گریزی به برخی از شبهات موجود در حقوق زن داشته‌اند و اظهار می‌دارند که بعضی از نویسندگان غربی درباره حقوق زنان سخنانی می‌گویند که به علت

.....
 ۱. امام خمینی به‌عنوان پیشران و نماد نگاه تمدنی به فقه در این زمینه معتقد است: «این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شد، مثلاً دیگر زن‌ها باید بروند توی خانه‌ها بنشینند یک قفلی هم درش بزنند، بیرون نیایند! این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می‌دهند. صدر اسلام زن‌ها توی لشکرها هم بودند؛ توی میدان‌های جنگ هم می‌رفتند. اسلام با دانشگاه‌ها مخالف نیست، با فساد دانشگاه‌ها مخالف است؛ با عقب نگه داشتن دانشگاه‌ها مخالف است. با دانشگاه استعماری مخالف است. اسلام با هیچ‌چیز از این مظاهر تمدن مخالفت ندارد. اسلام زن‌ها را دستشان گرفته آورده در قبال مردها نگه داشته؛ در صورتی که در زمانی که پیغمبر اسلام آمد، زن‌ها را هیچ حساب می‌کردند. اسلام زن‌ها را قدرت داده است. اسلام زن‌ها را در مقابل مردها قرار داده؛ نسبت با آن‌ها تساوی دارند» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۱۷).

اطلاع نداشتن آنان از دیدگاه اسلام است؛ چراکه غربی‌ها عمدتاً به دو مأخذ تکیه می‌کنند: ۱. رفتار برخی از مردان در جوامع اسلامی با زنان که از این رهگذر استبداد مطلق مرد را در رابطه با زن نتیجه گرفته‌اند و آن را به متون اسلامی نسبت می‌دهند؛ ۲. به برخی از آیات قرآنی استشهاد می‌کنند؛ مانند آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء / ۳۴). از نظر استاد جعفری هیچ‌یک از این اشکالات موجه نیست؛ زیرا اولاً: این کج‌روی اختصاص به مسلمین ندارد و در بقیه جوامع نیز مشاهده می‌شود و بدیهی است که عمل برخی از مسلمانان را نمی‌توان به پای آموزه‌های دین نوشت؛ در ثانی واژه «قوم» با نظر به موارد استعمال و به قرینه آیات فراوانی که درباره تساوی ارزش شخصیت زن و مرد آمده است، به معنای سرپرست و مجری مصالح خانوادگی است، نه قیم به اصطلاح حقوقی و علت اینکه مرد سرپرست خانواده معرفی شده است، علتی طبیعی محض است و نه امتیازی خاص برای مردان و این علت طبیعی عبارت است از مقاومتی که مردها در برابر وقایع خشن زندگی و مواجهه با عوامل مزاحم طبیعت و آمادگی دائمی در گرداندن چرخه‌های اقتصادی دارند؛ لذا آیه مزبور ارزش انسانی مرد را از زن بالاتر نمی‌داند (جعفری، ۱۳۸۳، ج ۱۱، صص ۲۶۹-۲۷۱).

یکی دیگر از شبهات مشهوری که پیرامون حقوق زنان مطرح است حول خطبه هشتاد نهج البلاغه شکل گرفته است. درباره این خطبه، به دلیل محتوای موجود در آن، بحث بسیاری شده و تفاسیر متفاوتی از آن ارائه شده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۸۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۱). علامه جعفری با عنایت به اهمیت بحث، شرح بسیار گسترده‌ای در این زمینه داشته‌اند و پس از تحلیل خطبه مذکور از جوانب متعدد درنهایت چنین نتیجه می‌گیرند که کاستی‌های موجود در خطبه که به زن‌ها نسبت داده شده است، اشاره به مختصات روبنائی زندگی مرد و زن و نه تفاوت میان شخصیت انسانی زن و مرد است. مقصود حضرت (ع) نقص واقعی ایمان و عقل به‌طور عموم و سهم الارث به‌صورت کلی نیست و اسناد چنین نقصی به بانوان مخالف آیات قرآنی است؛ لذا می‌توان اظهار داشت که حضرت امیر (ع) درواقع برای آگاه ساختن یکی از همسران پیامبر (ص) که با همراهی عده‌ای جنگ جمل را ایجاد کردند، درواقع به یک سری از مختصات روبنائی صنف زن اشاره داشته‌اند (جعفری، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۳۰۰).

با عنایت به مطالب فوق و در تحلیلی کلان می‌توان گفت مواجهه علامه جعفری درباره حقوق و نقش زنان، مواجهه‌ای انفعالی از نوع پذیرش سخن برخی از دانشمندان غربی و شبهات آنان نیست؛ بلکه ایشان با نگاهی مترقی و تمدنی حل مسئله را در بازخوانی قوانین و آموزه‌های دینی جست‌وجو کرده‌اند و از این رهگذر به شبهات موجود پاسخ می‌دهند. این زنان هستند که اگر اراده کنند و به دور از دروغ‌های خوش رنگ و لعاب تمدن غربی در میادین فرهنگی و اجتماعی حضور یابند، جامعه‌ای را متحول خواهند کرد؛ همان‌گونه که زنان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با حضور برجسته خود جامعه را متحول کردند و در حل

مسائل کلان کشور (ازجمله بحران‌های زمان جنگ) شریک شدند و کشور را در مسیر پیشرفت قرار دادند.^۱

۵-۳. نوآوری در تحلیل مسائل فقه کیفری

مباحث فقه جزایی به دلیل مرتبط بودن با جان آدمیان و تمامیت جسمانی افراد از دیرباز از جایگاه حساس و ویژه‌ای در فقه اسلامی و آرای فقهی برخوردار بوده‌اند؛ لذا در این قبیل موضوعات تا جایی که امکان دارد باید احتیاط کرد و از تجویز کیفر بدون دلیل معتبر و متقن شرعی پرهیز کرد. ازسوی دیگر نمی‌توان انکار کرد که پیچیدگی و چندوجهی بودن مسائل امروزی در حوزه‌های گوناگون موجب شده است که انجام فعالیت‌های علمی به شکل سنتی آن چنان که در گذشته فقط با دخالت یک رشته انجام می‌شد، در عصر حاضر در بسیاری از حوزه‌ها پاسخ‌گو نباشد. ازاین حیث تسری یا وام‌گیری دستاوردهای رشته‌ای از علوم به سایر رشته‌ها و دیگر شعب معرفتی از رایج‌ترین تعاملات بین‌رشته‌ای محسوب می‌شود. در این بین نقش این سنخ تعاملات در دانش فقه و برخی از زیرمجموعه‌های آن و به‌طور مشخص فقه کیفری و جزایی به دلیل اهمیت شریعت در امر دماء بیشتر احساس می‌شود. مطابق با همین نیاز به نظر می‌رسد که دانش فقه در دهه‌های اخیر و خصوصاً با استقرار نظام جمهوری اسلامی و ضرورت اداره جامعه و تنظیم مناسبات اجتماعی براساس دین و شریعت خود را ناگزیر از این می‌بیند که در اجتهادورزی رایج تجدیدنظر کند و به این نتیجه رسیده است که شیوه‌ها و روش‌های گذشته ممکن است در مواردی پاسخ‌گوی مشکلات جامعه نباشد.^۲

۱. تعبیر مقام معظم رهبری در این زمینه بسیار بااهمیت است: «نقش اجتماعات زنان در پیروزی انقلاب، به احتمال زیاد از اجتماعات مخصوص مردان بیشتر بود. یعنی حضور زنان در مبارزات عمومی و سیاسی، یک نقش چندگانه داشت. مرد یک نفر بود و خودش می‌آمد در مبارزات شرکت می‌کرد! اما وقتی زن خانه، خود را در مبارزه سهیم می‌دانست، درواقع خانه‌ای را که در آن، مرد و زن و فرزندان هستند، به صحنه می‌آورد. در جنگ نیز همین طور بود؛ یعنی اگر خانواده‌های شهدا -مادران و همسران- صبر نمی‌کردند، جنگ دچار مشکلات بسیار بزرگی می‌شد. انقلاب و جنگ، زنان ما را در جامعه از آگاهی و رشد سیاسی برخوردار کرد. این‌ها غنیمت‌هایی بود که در انقلاب برای زنان پیش آمد» (بیانات در جمع زنان شهر ارومیه، در تاریخ ۱۳۷۵/۰۶/۲۸).

۲. برخی از محققان این سخن و تعبیر امام راحل (ره) را که اجتهاد رایج و مصطلح در حوزه‌های علمیه را برای اداره و مدیریت جامعه امروزی ناکافی قلمداد می‌نمایند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۹۲)، چنین تفسیر کرده‌اند که: «به عقیده ما این سخن امام راحل دقیقاً به این معناست که مبادی و علومی که تاکنون در حوزه‌ها معمول و مرسوم بوده در اجتهاد کافی نیست و یک فقیه علاوه بر صرف و نحو و اصول فقه به علومی دیگر هم نیاز مبرم دارد که بدون آن‌ها اجتهادش ناقص خواهد بود» (فنائی، ۱۳۷۴، ص ۹۵).

ازاین حیث علامه محمدتقی جعفری در زمره اندیشوران آگاه به زمانی است که با تفتن به این امر، در پاره‌ای از پژوهش‌هایی که در زمینه فقه کیفری انجام داده‌اند، الگویی بدیع و نو را در این زمینه درانداخته‌اند که به نظر می‌رسد می‌تواند بسان شیوه‌ای ممتاز در فرایند فقا‌هت تمدنی به کار گرفته شود.

برای نمونه ایشان درضمن پژوهشی که درباره «مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار در فقه و حقوق اسلامی» انجام داده‌اند، ضمن اینکه هرگز به شیوه رایج و مرسوم فقهی در استخراج احکام (اکتفای به رجوع به ادله اربعه فقهی) بسنده نکرده و در موضوع پژوهش به آثار برخی از حقوق‌دانان غربی نیز مراجعه کرده و بدان‌ها استناد می‌کنند (جعفری، ۱۴۱۹، ص ۲۷۷)^۱، در مسئله از حیث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز مذاقه می‌کنند. برای نمونه ایشان در سزادهی کودک بزهکار معتقدند که درحقیقت به کار بردن مسئولیت درباره کودکان، خاصه کودکانی که هنوز به مرحله رشد مغزی نرسیده‌اند بی‌مورد است؛ لذا مقصود حقیقی از مسئولیت تعلیم اصل بازخواست در جامعه بشری برای کودکان است که تدریجاً آن‌ها نیز آگاه شوند به اینکه فردی که در جامعه زندگی می‌کند رها نیست و باید او از تعدادی قوانین برای امکان هم‌زیستی پیروی کند (جعفری، ۱۴۱۹، ص ۲۶۹). در ادامه ایشان نکته‌ای روان‌شناختی را مطرح می‌کنند و آن اینکه تشکیلاتی که مأمور رسیدگی به بزه‌های کودکان است، نمی‌تواند از سنخ دادگاه‌های عادی باشد؛ زیرا زندگی کودک در دورانی است که تکالیف شامل حال او نمی‌گردد، پس مسئولیت عقلایی برای او متصور نیست؛ درنتیجه کودک مستحق کیفر ناشی از جرم که عبارت است از مخالفت با قانون، نیست. ایشان برای حصول نتیجه مطلوب در این زمینه دایر کردن چهار سازمان را پیشنهاد می‌دهند: ۱. سازمان تربیتی که این سازمان به‌طور معمول می‌تواند در دوره‌های کودکستانی و دبستانی و گاهی هم در دوره‌های دبیرستانی ادغام شود و آموزش و پرورش حقیقی بر کودکان حکم‌فرما باشد؛ ۲. سازمان بازرسی که سیاست اداره سازمان‌های تربیتی و همچنین نظارت بر معایب یا پیشرفت‌های سازمان‌های مزبور را به عهده گیرد و حتی نظریات نوظهوری که دانشمندان متخصص ابراز می‌کنند در اختیار سازمان‌های مزبور قرار دهد؛ ۳. سازمان اکتشافی-روانی که این سازمان وضع روانی کودکان را از نظر بزهکاری و استعداد پذیرش تنبیه و تشخیص سایر عوامل روانی کودکان در نظر گیرد؛ ۴. سازمان تعیین کیفیت و کمیت تأدیب و تنبیه کودکان

۱. برای نمونه ایشان در پاره‌ای از فقرات اثر فقهی خود (رسائل فقهی) به آرای جرمی بنتام (Jeremy Bentham) فیلسوف، اقتصاددان، حقوق‌دان و اصلاح‌گر اجتماعی انگلیسی بود که به‌عنوان بنیان‌گذار سودمندگرایی مدرن شناخته می‌شود، استناد می‌کند. همچنین مراجعه به آرای راسل (Bertrand Russell) فیلسوف و اندیشمند شهیر انگلیسی قرن بیستم به‌وفور مشاهده می‌شود (ر.ک: جعفری، ۱۴۱۹، ص ۲۹۰). ناگفته نماند چنین نیست که علامه جعفری سخنان این قبیل دانشمندان را به‌طور کلی قبول داشته و درست آن‌ها را بپذیرد، بلکه در اغلب موارد ایشان از موضع اسلامی نقدهای جدی به اعتقادات و گفته‌های آنان وارد می‌کند.

بزهکار و بالعکس تشویق اطفال تربیت شده و قانون شناس. از نظر استاد جعفری ضرورت این تشکیلات و وجوب ایجاد این سازمان‌ها با نظر به مقتضیات روز و از نظر پیچیدگی روابط و حساس بودن شئون زندگی از دیدگاه مکتب اسلام مطابق قانون «حسبی» هیچ گونه جای تردید ندارد (جعفری، ۱۴۱۹، صص ۲۸۲-۲۸۳).

همان گونه که مشاهده می شود شیوه‌ای که علامه جعفری در تحلیل مسئله به کار بسته‌اند، متمایز است از آنچه که در اجتهاد مصطلح دیده می شود؛ چراکه ایشان به هیچ وجه خود را از داده‌ها و آرای اندیشمندان سایر علوم بی نیاز ندیده‌اند و الگویی را که در این زمینه پیشنهاد داده‌اند و فراروی جامعه می‌نهند، الگویی مترقی است که با استمداد از سایر علوم مرتبط و دخیل در موضوع و دانش‌های روزآمد و نوین از قبیل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، در تعامل و از رهگذر کاربست در دانش فقه، موجب پویایی و چالاکی فقه شده است و از این حیث نتایجی که حاصل می‌شود هم مصلحت فرد متهم یا بزه‌دیده را هرچه بهتر تأمین می‌کند و هم جامعه را در مواجهه با چنین افرادی در وضعیت مطلوب‌تری قرار می‌دهد؛ لذا می‌توان گفت از نظر روش‌شناختی به کار گرفتن الگوی پیشنهادی استاد جعفری می‌تواند به مثابه راهبرد صحیح و نقشه راه اجتهاد تمدنی، مدنظر قرار گیرد و به کار گرفته شود.

نمونه دیگری که نشانگر تحلیل و بینش عمیق و احاطه ایشان بر مسائل است اینکه ایشان تجویز کیفر را بدون فراهم شدن مقدمات و مهیا شدن افراد، امری نادرست قلمداد کرده‌اند و چنین اظهار می‌دارند که اصلی بسیار جالب در مکتب اسلام وجود دارد که می‌توان آن را به عنوان عالی‌ترین اصل انسانی-حقوقی معرفی کرد. این اصل چنین است: «تا می‌توانید اول انسان را آماده بسازید، سپس او را در مجرای دستورات حقوقی و مسئولیت‌ها و کیفرها قرار بدهید». از این حیث ایشان معتقدند برای اجتناب از مخالفت با «حدود الله» و اطاعت آن‌ها، لازم است که تعلیم و تربیت افراد برای آشنا شدن با آن‌ها ضروری باشد؛ لذا به همان اندازه که یک فرد توانایی تعلیم و تربیت را نداشته باشد، کیفر از او ساقط خواهد شد (جعفری، ۱۴۱۷، صص ۳۹-۴۱).

شایان توجه است که موافق با همین استظهار و برداشت علامه بعدها برخی از حقوق دانان مسلمان با استدلالی مشابه، همان نتایج و لوازم دیدگاه استاد جعفری را برگزیدند. برای نمونه یکی از اندیشوران معاصر معتقد است اسلام مجموعه‌ای است دارای ابعاد مختلف (تربیتی، اخلاقی، اجتماعی...) که در میان این ابعاد مختلف انسجام و پیوستگی کامل احساس می‌شود و در تجویز کیفر برای افراد باید این نکته لحاظ شود که جامعه تا چه میزان توانسته است به تربیت و تهذیب اخلاق افراد اجتماع بپردازد (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، صص ۲۹۲-۲۹۶).

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت پاسخ‌گویی صحیح به اقتضائات زمان و نیز پویایی فقه در عصر حاضر، جز از طریق نگاه تمدنی به فقه امکان‌پذیر نیست. با عنایت به این مهم، شناسایی و استخراج جلوه‌های فقه تمدنی در خلال آرای علامه استاد محمدتقی جعفری به‌مثابه یکی از متفکران برجسته مسلمان در عصر حاضر بررسی شد. در بی پاسخ به این پرسش، پنج محور عمده شناسایی و تحلیل شد: ۱. طرح مسائل مستحدث و نوپدید با توجه به اقتضائات و نیازهای روز که با بررسی آثار ایشان این نتیجه حاصل شد که علامه جعفری در زمره اندیشورانی هستند که به‌ضرورت ارائه پاسخ‌های نو در قالب تحلیل‌های دقیق علمی امعان‌نظر داشته‌اند. می‌توان نمودهای عملی چنین نگاه تمدن‌سازی که آموزه‌های شرعی را با پویایی همراه می‌سازد در آرای مانند رویکرد ایشان به انتقال نطفه فرد متوفی دید؛ ۲. اهتمام به فقه هنر که با توجه به اینکه پرداختن به فقه هنر در نگاه تمدنی اهمیتی تام دارد، علامه جعفری برای شناخت و درک اهمیت موضوع در مسئله هنر ورود گسترده‌ای داشته‌اند و در این زمینه بسیار سخن گفته‌اند. برای نمونه ایشان بحث مبسوطی درباره یکی از اشکال مهم هنر یعنی موسیقی داشته‌اند و با اتخاذ رویکردی متفاوت و متناسب با اقتضائات دنیای جدید می‌کوشند نگاهی همه‌جانبه به مقوله موسیقی داشته باشند و حتی از حیث فلسفی و روانی نیز به تبیین آن همت گمارند؛ ۳. ورود به مسائل فقه بین‌الملل که علامه جعفری با عنایت به این مهم که اسلام در جایگاه دینی جهان‌شمول خواستار شکل‌گیری و ارتباطات انسانی است در این مباحث ورود داشته‌اند و در برخی از موضوعات از قبیل طهارت اهل کتاب و نیز ذبیحه اهل کتاب به تفصیل رویکرد نوین خود را عرضه داشته‌اند؛ ۴. عطف توجه به مسائل زنان که علامه جعفری در زمینه نگاه دین به مسئله زنان و جایگاه این قشر اظهار می‌دارند که در نگاه دینی در شخصیت انسانی زن و مرد تساوی وجود دارد. ایشان تأکید دارند که اختلاف حقوقی زن و مرد در فقه اسلامی نمی‌تواند تعیین‌کننده ارزش برای هیچ‌یک از طرفین باشد و این اختلافات مربوط به اختلاف طبیعی دو صنف و موضوع تشکیل سیستم خانوادگی است؛ ۵. نوآوری در مسائل فقه کیفری؛ با توجه به اینکه مباحث فقه جزایی به‌دلیل مرتبط بودن با جان آدمیان از جایگاه ویژه‌ای در فقه اسلامی برخوردارند، علامه جعفری در این موضوع نیز ورود داشته‌اند و در پژوهش‌هایی که در این زمینه داشته‌اند به شیوه رایج فقهی در استخراج احکام بسنده نکرده‌اند و مسائل را از حیث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز مذاقه کرده‌اند و از این حیث الگویی بدیع و نو را در این زمینه در انداخته‌اند که می‌تواند بسان شیوه‌ای ممتاز در فرایند فقاہت تمدنی به کار گرفته شود.

تضاد منافع

نویسنده تضاد منافع‌ی گزارش نکرده است.

تشکر و قدردانی

از تمام کسانی که مشوق نگارش این مقاله بوده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

فهرست منابع

- ابن‌ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان‌العرب*. بیروت: دارالفکر.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی‌تا). *مقدمه ابن‌خلدون*. قاهره: دار نهضة.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع الفائدة والبرهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۸). *اجتهاد و تقلید*. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱). *تعاریف و مفهوم فرهنگ*. تهران: انتشارات آگاه.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). *الحدائق الناضرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بهایی عاملی، محمد بن حسین (۱۴۱۰ ق). *حرمة ذبائح اهل الكتاب*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- تهرانی، محمد حسین (۱۴۱۸). *رساله فی الغناء*. قم: نشر مرصاد.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۳). *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۴۱۷). *منابع فقه*. تهران: نشر نور.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۵). *تحلیل و بررسی سکولاریزم*. قبسات، ۱(۱)، ۵۵-۶۹.
https://qabasat.iict.ac.ir/article_16888.html
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۱). *جایگاه تعقل و تعبد در معارف اسلامی*. فصلنامه حوزه، شماره ۴۹، ۶۸-۹۵. قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1833531/>
- جعفری، محمد تقی (۱۳۹۰). *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*. تهران: مؤسسه نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۲). *زیبایی‌شناسی (زیبایی از دیدگاه منابع اسلامی)*. فصلنامه هنر، شماره ۴، ۱۸-۲۷.
<https://ensani.ir/fa/article/114311/>

- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۳). زیبایی‌شناسی: نگاهی به فلسفه هنر از دیدگاه اسلام. فصلنامه هنر، شماره ۶، ۱۸-۳۷. <https://ensani.ir/fa/article/114528/>
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۲). زیبایی‌شناسی: زیبایی از دیدگاه منابع اسلامی. فصلنامه هنر، شماره ۵، ۱۸-۲۷.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۴). شخصیت زن در نگاه علامه جعفری. مطالعات قرآنی نامه جامعه، شماره ۱۴، ۳۸-۳۹. <https://ensani.ir/fa/article/70605/>
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۵). مدیریت علمی و ارزشی. فصلنامه مصباح، شماره ۱۹، ۱۵-۲۴. <https://ensani.ir/fa/article/262372/>
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۲). موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی. تهران: مؤسسه نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۰). هنر و دین از نگاه علامه جعفری. فصلنامه هنردینی، شماره ۱۰، ۱۶۳-۱۶۸. <https://noo.rs/6ML1W>
- جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹). رسائل فقهی. تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۴). بیانات در جمع دست‌اندرکاران همایش فقه هنر. دسترسی در: <https://khl.ink/f/31937>
- خامنه‌ای، علی (۱۳۷۵). بیانات در جمع زنان شهر ارومیه. دسترسی در: <https://khl.ink/f/2812>
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوانساری، احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- سیدمرتضی، علی‌بن حسین (۱۴۱۵). الانتصار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۱۹). ذکر الشیعة. قم: مؤسسه آل البیت.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۸۶). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷). المیزان. قم: تبیان.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۲۷). مجمع البیان. بیروت: دار المرتضی.

- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۰). /النهایه. بیروت: دار الکتب العربی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). تحریر الأحکام الشرعیة. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- فلاح تفتی، فاطمه (۱۴۰۱). مبانی و قواعد فقهی حاکم بر عقلانیت و همگرایی مسلمانان در تمدن نوین اسلامی. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۵۵-۱۹۴.
<https://doi.org/10.22070/nic.2023.15288.1131>
- فناپی، ابوالقاسم (۱۳۷۴). جایگاه موضوع شناسی در اجتهاد. نقد و نظر، دوره ۲، شماره ۵، ۸۷-۹۹.
https://jpt.isca.ac.ir/article_22863.html
- قاسملو، یعقوب (۱۳۷۹). فروغ دانایی. قم: نسیم حیات.
- کارشناس، علی و دیگران (۱۴۰۱). نقد انگاره اسلام رحمانی به مثابه چالش فقه تمدنی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی). مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۲، ۶۵-۹۴.
<https://doi.org/10.22070/nic.2023.16018.1179>
- مجلسی دوم، محمدباقر (۱۴۱۰). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی. مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳). /المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام /امیرالمؤمنین. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴). فقه و هنر، فقه (کاوشی نو در فقه). شماره ۴، ۳-۱۶.
https://jf.isca.ac.ir/article_20282.html

- واسطی، علی (۱۳۹۹). اجتهاد تمدنی؛ منطق فهم دین در مقیاس تمدن‌سازانه (چیستی، امکان و چگونگی). *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، دوره ۶، شماره ۲، ۷-۳۲.
<http://frh.sccsr.ac.ir/article-1-203-fa.html>
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*. تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهش.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۶). *فرهنگ فقه*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

References

- Ibn Idris, M. (1991). *Al-Sara'ir*. Qom: Office of Islamic Publications [In Arabic].
- Ibn Manzur, M. (1993). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr [In Arabic].
- Ibn Khaldun, A. (n.d.). *Muqaddimah of Ibn Khaldun*. Cairo: Dar al-Nahda [In Arabic].
- Ardabili, A. (1984). *Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan*. Qom: Office of Islamic Publications [In Arabic].
- A'rafi, A. (2019). *Ijtihad and Taqlid*. Qom: Institute of Ishraq and Erfan [In Persian].
- Ashouri, D. (2002). *Definitions and Concepts of Culture*. Tehran: Agah Publications. [In Persian].
- Bahrani, Y. (1986). *Al-Hada'iq al-Nadirah*. Qom: Office of Islamic Publications [In Arabic].
- Bahai Ameli, M. (1991). *The Prohibition of the Slaughtering of Ahl al-Kitab's Animals*. Beirut: Al-Alami Institute [In Arabic].
- Tehrani, M. (1999). *Risalah fi al-Ghinā*. Qom: Marsad Publishing [In Arabic].
- Jafari, M. T. (2004). *Translation and Interpretation of Nahj al-Balagha*. Tehran: Office for Islamic Culture Publications [In Persian].
- Jafari, M. T. (1998). *Sources of Fiqh*. Tehran: Noor Publications [In Persian].

- Jafari, M. T. (1996). Analysis and Study of Secularism. *Qabsat*, 1(1), 55-69. https://qabasat.iict.ac.ir/article_16888.html [In Persian]
- Jafari, M. T. (1992). The Place of Rationality and Religious Commitment in Islamic Knowledge. *Hawzah Quarterly*, Issue 49, 68-95. <https://civilica.com/doc/1833531/> [In Persian]
- Jafari, M. T. (2011). *Beauty and Art in the View of Islam*. Tehran: Institute for Publishing the Works of Allama Jafari [In Persian].
- Jafari, M. T. (1983). Aestheticism: Beauty from the Perspective of Islamic Sources. *Art Quarterly*, Issue 4, 18-27. <https://ensani.ir/fa/article/114311/> [In Persian]
- Jafari, M. T. (1984). Aestheticism: A Look at the Philosophy of Art from an Islamic Perspective. *Art Quarterly*, Issue 6, 18-37. <https://ensani.ir/fa/article/114528/> [In Persian]
- Jafari, M. T. (1983). Aestheticism: Beauty from the Perspective of Islamic Sources. *Art Quarterly*, Issue 5, 18-27 [In Persian].
- Jafari, M. T. (2005). The Personality of Women in the View of Allama Jafari. *Quranic Studies: Society Journal*, Issue 14, 38-39. <https://ensani.ir/fa/article/70605/> [In Persian]
- Jafari, M. T. (1996). Scientific and Ethical Management. *Misbah Quarterly*, Issue 19, 15-24. <https://ensani.ir/fa/article/262372/> [In Persian]
- Jafari, M. T. (2003). *Music from a Philosophical and Psychological Viewpoint*. Tehran: Institute for Publishing the Works of Allama Jafari [In Persian].
- Jafari, M. T. (2001). Art and Religion from the Perspective of Allama Jafari. *Religious Art Quarterly*, Issue 10, 163-168. <https://noo.rs/6ML1W> [In Persian]
- Jafari, M. T. (1998). *Fiqh Letters*. Tehran: Institute of Karamat Publications [In Persian].
- Javadi Amoli, A. (2007). *Women in the Mirror of Majesty and Beauty*. Qom: Esra'a Publications [In Persian].
- Khamenei, A. (2015). Speech to the Organizers of the Islamic Art Fiqh Conference. Available at: <https://khl.ink/f/31937> [In Persian].

- Khamenei, A. (1996). Speech to the Women of Urmia City. Available at: <https://khl.ink/f/2812> [In Persian].
- Khomeini, R. (2006). *Sahifah Imam*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [In Persian].
- Khansari, E. (1986). *Jami' al-Madarik*. Qom: Ismailian Institute [In Arabic].
- Seyyed Morteza, A. (1996). *Al-Intisar*. Qom: Office of Islamic Publications [In Arabic].
- Shahid Awwal, M. (1997). *Zikra al-Shi'ah*. Qom: Al-Bayt Institute [In Arabic].
- Saduq, M. (2007). *Alillal al-Sharai'*. Qom: Da'vari Bookstore [In Arabic].
- Tabatabai, M. (2008). *Al-Mizan*. Qom: Tabyān Publications [In Arabic].
- Tabarsi, F. (2009). *Majma' al-Bayan*. Beirut: Dar al-Murtada [In Arabic].
- Torayhi, F. (1997). *Majma' al-Bahrayn*. Tehran: Murtazavi Bookstore [In Arabic].
- Tusi, M. (2001). *Al-Nihayah*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi [In Arabic].
- Allama Hilli, H. (1999). *Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyyah*. Qom: Imam Sadiq Institute [In Arabic].
- Fallah Tefri, F. (2002). Foundations and Jurisprudential Rules Governing Rationality and Convergence of Muslims in the New Islamic Civilization. *Fundamental Studies of the New Islamic Civilization*, Vol. 5, Issue 2, 155-194. <https://doi.org/10.22070/nic.2023.15288.1131> [In Persian]
- Fanaei, E. (1995). The Role of Topicology in Ijtihad. *Critique and Opinion*, Vol. 2, Issue 5, 87-99. https://jpt.isca.ac.ir/article_22863.html [In Persian]
- Qasmlou, Y. (2000). *The Brilliance of Knowledge*. Qom: Nasim Hayat Publications [In Persian].
- Karshenas, A. & others. (2002). Critique of the Idea of Compassionate Islam as a Challenge to the Jurisprudence of Civilizational Fiqh, Emphasizing the Views of Imam Khomeini (RA) and the Supreme Leader (may Allah protect him). *Fundamental Studies of the New Islamic Civilization*, Vol. 5, Issue 2, 65-94. <https://doi.org/10.22070/nic.2023.16018.1179> [In Persian]

- Majlisi II, M. (1991). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Institute of Printing and Publishing [In Arabic].
- Muhaqiq Damad, M. (1999). *Qawa'id al-Fiqh*. Tehran: Center for the Publication of Islamic Sciences [In Persian].
- Mustafawi, H. (2006). *Al-Tahqiq fi Kalam al-Qur'an al-Karim*. Tehran: Center for the Publication of Allama Mustafawi's Works [In Arabic].
- Mottahari, M. (1999). *Collected Works*. Tehran: Sadra Publications [In Persian].
- Mottahari, M. (1994). *An Introduction to Islamic Worldview*. Collected Works. Tehran: Sadra Publications [In Persian].
- Mughniyyah, M. (2005). *Tafsir al-Kashaf*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah [In Arabic].
- Mufid, M. (1994). *Al-Muqni'ah*. Qom: Global Congress of Sheikh Mufid's Millennium [In Arabic].
- Makarem Shirazi, N. (2007). *The Message of Amir al-Mu'minin*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah [In Persian].
- Najafi, M. (2001). *Jawahir al-Kalam*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi [In Arabic].
- Najafi, M. (1995). Fiqh and Art, *Fiqh (A New Exploration of Fiqh)*. Issue 4, 3-16. https://jf.isca.ac.ir/article_20282.html [In Persian]
- vaseti, A. (2020). Civilizational Ijtihad; Logic of Understanding Religion in the Framework of Civilization-building (Essence, Possibility, and Method). *Fundamental Human Sciences Research*, Vol. 6, Issue 2, 7-32. <http://frh.sccsr.ac.ir/article-1-203-fa.html> [In Persian]
- Velayati, A. (2003). *Dynamics of Islamic and Iranian Culture and Civilization*. Tehran: Center for Documents and Research Services [In Persian].
- Hashemi Shahroudi, M. (2005). *The Culture of Fiqh*. Qom: Encyclopedia Institute of Islamic Fiqh [In Persian].